

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۷ جولای ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت

ماجرای جمهوری اسلامی در عراق

ماجرای جمهوری اسلامی در عراق، به خطری جدی برای مردم ایران تبدیل شده است. در هفته‌ای که گذشت جمهوری اسلامی بار دیگر روستاهای مرزی کردستان عراق را توپباران کرد. تعدادی از مردم این مناطق به قتل رسیدند و گروهی خانه و زندگی خود را رها کردند و آواره شدند. در همین حال اخبار جدیدی از ایجاد استحکامات نظامی در مناطق مرزی و احداث جاده توسط سپاه پاسداران در مناطق مرزی داخل عراق انتشار یافت.

پیامد این اقدامات جمهوری اسلامی، اعتراضات کردهای عراق و تشدید حملات لفظی و تهدیدهای متقابل مقامات و سران نظامی جمهوری اسلامی و دولت امریکا بود.

ادامه این درگیری‌ها و تشدید مخاصمات، تا آخرین روز هفته به جایی رسید که خبر از زخمی شدن سفیر جمهوری اسلامی در عراق و همکاران او داده شد. ابعاد این قضیه هنوز روشن نیست. تنها خبرگزاری ایسنا، در خبری چند سطر و مبهم پیرامون این واقعه نوشت: "سفیر ایران در عراق و همکارانش" در حادثه‌ای نامشخص مورد حمله قرار گرفتند و خودروی آن‌ها با موانعی برخورد کرده، که این حادثه سبب مجروح شدن سفیر ایران در عراق و همکاران وی شده است. "سپس از قول سفیر می‌افزاید: "این حادثه و دلایل وقوعش در حال بررسی است و مسؤولان عراق سعی دارند دلایل این مسأله را جویا شوند".

از همین حادثه می‌توان دریافت که توجیهات جمهوری اسلامی برای توپباران مناطق مرزی کردستان عراق مبنی بر حضور پژاک بی اساس است و آنچه که در جریان می‌باشد، از جای دیگر منشأ می‌گیرد و صرفاً بیانگر تشدید تضادها و درگیری‌های دولت امریکا و جمهوری اسلامی بر سر حیطه نفوذ و مداخله در عراق و جهت‌دهی به تحولات سیاسی کنونی این کشور است. در حالی که دولت امریکا برای پیشبرد اهداف و مقاصد اقتصادی و سیاسی امپریالیستی خود در عراق، می‌کوشد دسته‌بندی سیاسی معینی را از درون طبقه حاکم بر عراق تقویت کند و کردهای این کشور که موقعیت سیاسی کنونی خود را مدیون مداخله نظامی امریکا می‌دانند، در این دسته‌بندی

جای دارند، جمهوری اسلامی، که آن هم در پی تحقق اهداف و مقاصد ارتجاعی پان اسلامیتی در عراق مداخله دارد، موقعیت گروه‌های اسلام‌گرای طرفدار خود را تضعیف شده می‌بیند. از این رو می‌کوشد با اقدامات نظامی در مرزها، فشار بر کردهای عراق را افزایش دهد و از آن‌ها امتیازاتی برای تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی عراق به نفع خود و گروه‌های اسلام‌گرای شیعه بگیرد.

جمهوری اسلامی البته اقداماتش محدود به عملیات نظامی برای تهدید و ترساندن کردهای عراق نیست، بلکه با مسلح کردن گروه‌های ویژه‌ای از تروریست‌های شیعه، در بمب‌گذاری‌ها و حملات راکتی نیز دست دارد و از این حربه نیز استفاده می‌کند. این واقعیت نیز پوشیده نیست که در این کشمکش و رقابت گروه‌های تروریست رقیب هم از سوی جناح‌هایی از طبقه حاکم عراق تقویت می‌شوند که پشت سر آن‌ها دولت‌های عربی منطقه به ویژه عربستان قرار دارند.

نتیجه این دخالت‌های سیاسی و نظامی دولت‌های بیگانه در امور داخلی عراق و رقابت‌های چند سال گذشته آن‌ها، ویرانی کشور عراق، کشتار صدها هزار تن عراقی و فقر و بدبختی فاجعه‌بار بوده است. روزی نیست که خبر از کشته و مجروح شدن لاقل ده‌ها تن از مردم غیرنظامی این کشور منتشر نشود. گرچه دولت‌های امریکا و جمهوری اسلامی در طول چند سال گذشته همواره کوشیده‌اند، با زد و بندهای پشت پرده، تضادها و اختلافات خود را بر سر حیطه نفوذ در عراق کاهش دهند، اما از آنجائی که هیچ یک از دو طرف به این توافقات پای‌بند نبوده‌اند، پیوسته اختلافات تشدید شده و گاه به تهدیدات متقابل انجامیده است. اوضاع بار دیگر به این مرحله از تشدید تضادها رسیده است. وزیر دفاع امریکا، اکنون جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند و می‌گوید اگر "به ارسال سلاح برای گروه‌های افراطی ادامه دهد، امریکا در صورت لزوم یک جانبه به مقابله برخاوه‌د خاست".

فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی نیز تهدید می‌کنند که پایگاه‌های امریکا را در منطقه مورد هدف قرار می‌دهند، تنگه هرمز را می‌بندند و جنگ را به آب‌های آزاد می‌کشانند. وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی هم می‌گوید، تهدیدات امریکا توخالی است.

گرچه در واقعیت، تهدیدات هر دو طرف در لحظه کنونی توخالی‌ست، اما این نیز حقیقتی‌ست که اغلب، تهدیدات دولت‌های ارتجاعی مقدمه و زمینه‌سازی برای برافروختن جنگ‌هاست.

جنگ‌هایی که میان دولت‌های ارتجاعی رخ داده و می‌دهند، خلق‌الساعه پدید نمی‌آیند. طبقات حاکم کشورها، مقدمات این جنگ‌ها را با دامن زدن به یک‌رشته تشنجات، تهدیدها و درگیری‌های سیاسی و نظامی کم دامنه فراهم می‌سازند و در موقعیتی مناسب جنگ تمام عیاری را آغاز می‌کنند. نباید فراموش کرد که جنگ ۸ ساله دولت‌های ایران و عراق که میلیون‌ها تن از مردان این دو کشور قربانی اهداف و مطامع توسعه‌طلبانه و جاه طلبانه طبقات حاکم بر ایران و عراق شدند، یک چنین روندی را طی کرد. با حملات سیاسی و تهدیدات لفظی طرفین جنگ‌افروز، تضادها تشدید شد، به درگیری و اقدامات نظامی در مرزهای دو کشور کشید و سرانجام به جنگی سراسری تبدیل شد. بنابراین امروز نیز این خطر وجود دارد و مدام نیز افزایش می‌یابد که همین تهدیدات سیاسی و درگیری نظامی مرزی در مقطعی معین که منافع طرفین ایجاب کند، به جنگ تبدیل شود. مردم ایران باید هوشیار باشند و اجازه ندهند که یک بار دیگر مرتجعین جنگی برافروزند که بی تردید فاجعه‌بارتر از جنگ ۸ ساله خواهد بود. بنابراین مردم ایران باید مداخلات جمهوری اسلامی در عراق را محکوم کنند. مردم ایران باید اقدامات نظامی جمهوری اسلامی را در مرزها علیه روستاهای کردستان عراق محکوم کنند. مردم ایران باید تمام اقدامات میلیتاریستی و جنگ‌طلبانه جمهوری اسلامی را که جز فاجعه‌ای بزرگ چیزی عاید توده‌های زحمتکش

مردم نخواهد کرد، محکوم نمایند.

نیرنگ جدید برای تنزل سطح معیشت کارگران و زحمتکشان

سرانجام، پس از تأیید و تکذیب‌های مکرر بر سر حذف چند صفر از پول رسمی کشور، رئیس کل بانک مرکزی روز دوشنبه اعلام کرد: "هیأت دولت عصر روز گذشته، موافقت خود را با کلیات پیشنهاد بانک مرکزی برای حذف ۴ صفر از پول ملی اعلام کرد." وی افزود: "بر این اساس قرار شد، آن بخش از جزئیات طرح که شامل نام واحد پول ملی جدید و جزء اعشار آن است، از طریق سیاست بانک مرکزی به نظرخواهی عمومی گذاشته شود." این که از کی قرار است این ۴ صفر حذف شود، هنوز زمان دقیق آن اعلام نشده، بلکه بر عهده بانک مرکزی قرار گرفته است.

از مدت‌ها پیش روشن بود که در ادامه سیاست خصوصی‌سازی و آزادسازی قیمت‌ها، کاهش رسمی ارزش پول کشور در دستور کار دولت قرار دارد. اما شیوه کار جمهوری اسلامی چنین است که برای پیشبرد طرح‌های خود، ابتداء طرح را مطرح می‌کند تا واکنش مردم را ارزیابی نماید، سپس آن را تکذیب و دوباره تأیید می‌کند تا بالاخره در میان مردم به امری عادی تبدیل شود. پس از این مراحل است که خبر تصویب رسمی آن را اعلام می‌نماید. حذف ۴ صفر هم از پول رسمی کشور، با همین تأیید و تکذیب، به تصویب رسید. در اصل قضیه نیز تفاوتی نمی‌کند که حالا از کی قرار است به مرحله اجرا درآید.

کاهش رسمی ارزش پول، قبل از هر چیز اذعان رژیم به این واقعیت است که در طول ۳۲ سالی که از عمر جمهوری اسلامی در ایران می‌گذرد، اقتصاد سرمایه‌داری ایران، با بی‌ثباتی و از هم گسیختگی روبرو بوده است. تورم یکی از مختصات بارز اقتصاد در این دوران بوده است. ارزش پول پیوسته کاهش یافته و در نتیجه، سطح معیشت کارگران و زحمتکشان دائماً تنزل کرده است. اما از این به بعد با اجرایی شدن طرح حذف ۴ صفر چه خواهد شد؟ اجرای این طرح از همان نخستین روز آن، همراه با یک افزایش بهای کالاها، مجزا از نرخ معمول رشد تورم خواهد بود. به این صورت که اگر فرضاً امروز کالائی را به بهای ۹ هزار تومان می‌خرید، با اجرایی شدن طرح، فروشنده آن را به ۱۰ هزار تومان افزایش می‌دهد. چون هزار تومان، دیگر فاقد هر گونه ارزشی است. اما مسأله به همین جا خاتمه نمی‌یابد، ارزش پول جدید به ویژه در کشوری نظیر ایران سریعاً کاهش می‌یابد و اگر فرضاً پولی را پس‌انداز کرده باشید، پس از مدت کوتاهی متوجه می‌شوید که ارزش پول شما حتا به نصف کاهش یافته است.

وقتی که در برخی از کشورهای اروپائی یورو جایگزین پول قبلی آن‌ها شد، در ظاهر، مثلاً یک یورو، معادل دو مارک آلمان بود. به رغم این که اقتصاد اروپا در آن زمان بالنسبه رونق و ثبات داشت و نرخ تورم پائین، اما پس از گذشت چند ماه مردم دریافتند که اکنون برای همان کالائی که سابق بر این یک مارک می‌پرداختند، حالا باید یک یورو بپردازند. یعنی در عمل، به طور متوسط، کارگران لااقل ۲۰ تا ۳۰ درصد قدرت خرید قبلی خود را از دست دادند و آن‌هایی که اندوخته‌ای داشتند، به همین نسبت پس‌انداز آن‌ها کاهش یافت. پس از این ماجرا، مردم آن کشورهای اروپائی که با تغییر پول موافقت نکرده بودند و منتظر بودند که ببینند در کشورهای یورو چه پیش خواهد آمد، دیگر سرسختانه به مخالفت خود با تعویض پول ادامه دادند و این اجازه را به طبقه سرمایه‌دار حاکم ندادند که با این نیرنگ تعویض پول، به یکباره سطح معیشت‌شان را تنزل دهد.

در ایران که طبقه حاکم نه از مردم نظر می‌خواهد و نه نظر و رأی مردم حائز اهمیت است، بلکه خودشان می‌بُرند

و می‌دوزند و هر کار دل‌شان می‌خواهد می‌کنند، توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران از هم اکنون باید آگاه باشند که حذف ۴ صفر از پول رسمی و برقراری واحد پول جدید، در شرایطی که اقتصاد ایران هم اکنون با یک نرخ تورم متجاوز از ۲۰ درصد همراه است، به یک جهش بزرگ در قیمت‌ها و تنزل شدید در سطح معیشت‌شان خواهد انجامید. جمهوری اسلامی هر طرحی را که به مرحلهٔ اجراء درمی‌آورد، علیه مردم ایران است. تمام طرح‌های اقتصادی دولت که پی در پی در حال عملی کردن آن‌ها هستند، در خدمت منافع طبقهٔ سرمایه‌دارند و کمترین نفعی برای کارگران ندارند.

تشنج و درگیری در وزارتخانه‌های ادغامی

هرج و مرجی که در ارگان‌های بالای جمهوری اسلامی وجود دارد، به ادارات و مؤسسات سطح پایین‌تر نیز کشیده شده است. پس از مدت‌ها نزاع و کشمکش میان مجلس و هیأت دولت، ادغام وزارتخانه‌های راه و مسکن به تصویب رسید و گویا در مرحلهٔ اجراء است. اما از همان نخستین گام اجراء، کار به کشمکش در میان کارمندان این وزارتخانه‌ها کشیده است.

خبرگزاری آفتاب روز چهارشنبه گزارش کرد که اوضاع در ساختمان سابق وزارت راه متشنج است و کارمندان دو وزارتخانهٔ ادغامی در آستانهٔ درگیری هستند.

این خبرگزاری گزارش کرد که کارمندان وزارت مسکن در بیستم تیر ماه [سرطان] به ساختمان وزارت راه منتقل شدند، اما پس از گذشت کمتر از دو روز "مقاومت کارمندان راه در تحویل فضاء و میز و اتاق‌های خود به این میهمانان قبلاً عزیز به درگیری‌های اداری جدی انجامیده است." این گزارش می‌افزاید: کارمندان مسکن "با هماهنگی حراست وزارت راه، همه وسایل موجود در اتاق‌های دوطبقه از وزارت راه را در لابی‌های ریخته و وسایل خود را به این اتاق‌ها منتقل کرده و البته برای محکم‌کاری نسبت به تعویض مغزی قفل درها نیز اقدام کرده بودند." خلاصه کلام این که: "از صبح امروز تاکنون، فضای متشنج ساختمان سابق وزارت راه بسیار ملتهب و در آستانه درگیری است."

گزارش دیگری از این هرج و مرج انتشار نیافت. اما تا همین جا کافی است که هر کس بداند از هم گسیختگی و هرج و مرج درونی جمهوری اسلامی تا کجا رسیده است. دو وزارتخانه در هم ادغام می‌شوند بدون این که حتا جا و مکان کارمندان آن مشخص شده باشد. زور تعیین می‌کند که کدام اتاق‌ها و وسایل در دست چه گروهی باشد و حتا حکم به تخلیه داده شود. اگر چنین اتفاقاتی در کشورهای دیگر جهان رخ دهد، لااقل در صدر اخبار همان کشور قرار می‌گیرد و رئیس دولت‌شان اگر استعفاء ندهد، حداقل مورد سؤال و استیضاح قرار می‌گیرد. در ایران، اما اتفاقاتی مهم‌تر از این هم که رخ دهد، مسألهٔ مهمی نیست. چون در این جا هر کسی در حیطهٔ کار خودش، فرمانرواست و کسی هم نمی‌تواند از او بازخواست کند. خامنه‌ای همه کاره است، دولت تعیین می‌کند. وزیر عزل و نصب می‌نماید. به مجلس دستور می‌دهد که چیزی را تصویب کند یا نکند. قوه قضائیه مجری اوامر ولی فقیه است و الی آخر. احمدی‌نژاد هم بر همین منوال. رئیس جمهور است. خود را بعد از خامنه‌ای همه‌کاره می‌داند. وزارتخانه‌های تحت امرش در تیول او هستند. حالا هر اتفاقی هم که در آن‌ها بیفتد و هر کاری که بکنند، ربطی به کسی ندارد. اگر پرسنل دو وزارتخانه هم به جان یکدیگر بیفتند، اشکالی ندارد. چون این جا حکومت اسلامی است و از این هرج و مرج‌ها فراوان. از آنجائی که این حکومت، تمام معایب دولت‌ها و حکومت‌های جهان را در خود جمع دارد، باید به خامنه‌ای و احمدی‌نژاد هم حق داد که آن را الگو و نمونه‌ای ویژه در سراسر

جهان معرفی نمایند.

اما مردم کشورهای دیگر جهان چه قضاوتی دارند؟ آنها ابراز امیدواری می‌کنند که مردم ایران بالاخره بر این رژیم سر تا پا ارتجاعی غلبه کنند و بر سرنوشت خود حاکم گردند.